

قوانین چنگیزی یاسا

مفاد یا سا در یک نگاه

یاسا مانند بسیاری از قوانین قرون گذشته از اصل تناسب میان جرم و مجازات پیروی نمی کرد. اصل شخصی بودن مجازات ها نیز اعمال نمی شد و در بعضی موارد، فرزندان مجرم به جای اوجازات می شدند. از رایج ترین مجازات ها در بین مغولان، مجازات اعدام بود و در تن یا سا برای بسیاری از اعمال کم اهمیت کیفر اعدام در نظر گرفته شده بود.

به نظری رسیده دلیل پیشرفته بودن تمدن اسلامی و مسلمانان و یا علاقه شدید چنگیز به اسلام، پیروان این دین از وضعیت بهتری نسبت به سایر مردم و دیگر پیروان ادیان غیر از اسلام برخوردار بودند. در یاسا میزان خون بهای یک مسلمان چهار بالش طلا (معادل ۲۰ هزار مثقال طلا) و خون بهای چینی یک الیغ تعیین شده بود؛ مجازات یک مغول نیز مرگ بود. ضمناً مغولان به قصاص اعتقاد داشتند و نظام برده داری در مورد یگانگان اعمال می شد و گرفتن اقرار از طریق شکنجه مجاز بود.

در یاسا بسیاری از احکام متأثر از باورهای قبیله ای نیز به چشم می خورد از جمله: مجازات اعدام برای کسی که در آب یا خاکستر ادرا کند؛ و یا حیوانی را به روش مسلمانان ذبح کند. همچنین هرگونه آلوده کردن و یا حتی فرو بردن دست ها در آب منع شده بود. پاکداشتن بر روی آتش و ظروفی که برای تهیه غذا استفاده می شود نیز ممنوع شده بود. این احکام حکایت از احترام مغولان به آب و غذا دارد. علاوه بر این مغولان حدود ۹۰ راندس می دانستند و گویا به همین جهت دزدان محکوم بودند، برابری مسروقه را پس بدهند. در زمینه حقوق خانواده مغولان، در واقع زن از سوی مرد خریداری می شد. با ازدواج به عضویت خانواده شوهر می آمد و پس از مرگ شوهر نیز به عقد برادر یا پسر شوهرش می آمد. البته آنها می توانستند زن را به عقد مرد دیگری در آورند.

چند زنی یا تعداد زوجات رایج بود و مادر، خواهر و دختر محرم به شمار می رفتند. اما خواهران ناتنی جزء محارم نبودند و از دواج با آنها آزاد بود. نامزدی کودکان توسط پدر و مادر نیز رایج بود، برای زنا و لواط نیز مجازات اعدام در نظر گرفته بودند. تعصبات مذهبی در میان مغولان وجود داشت، انجام مناسک مذهبی و رعایت احوال شخصی مطابق با مقررات مذهبی برای پیروان تمام ادیان و فرقه ها آزاد بود. استفاده از القاب افتخاری نیز در میان مغولان رایج نبود و چنگیز فرمان داده بود که از گفتن سخنان گزافه خودداری کنند و وقتی با سلطان یا حاکم دیگر سخن می گویند، تنها نام او را بر زبان آورند. از مقررات جالب یاسا در این مورد، مالیات گرفتن از فرزندان ابوطالب، نقبا، قادیان قرآن، پزشکان، دانشمندان، زاهدان، مودمان و مرده شویان بود.

مفاد کلی یاسا

۱- زناکاری بی توجه به آن که متاثر است یا نه، باید به کیفر اعدام رسد. ۲- هر کس مرتکب کناه لواط شود نیز باید به کیفر اعدام رسد. ۳- هر کسی به عمد دوش کوبد یا فحاشی کند، یا به جاسوسی رفتار دیگران پردازد، یا در منازعه میان دو دسته مداخله کند و به کمک یک دسته علیه دسته دیگری اقدامی به عمل آورد نیز باید به کیفر اعدام رسد. ۴- هر کس در آب و یا خاکستر آردا کند نیز به کیفر اعدام برسد. ۵- هر کس (بنابر اعتبار) کالای بی ستاد و ورشکست شود، اگر سه بار این به این کار دست یازد و ناکام ماند، باید به کیفر اعدام رسد. ۶- هر کس به اسیری خوراک و جامه دهد و این کار را بی اجازه اسیرکننده به انجام رساند باید به کیفر اعدام برسد. ۷- هر کس برده یا اسیری فراری را بیدار و او را به صاحب اسیرکننده اش برگرداند باید به کیفر اعدام برسد. ۸- چون نخواهند حیوانی را قتل کنند باید پایش را ببندند، شگافی در شکمش باز نکنند و قلبش را آتقد برنشانند تا جان سپارد، آنگاه می توان از گوشت آن تناول کرد. ۹- اگر در جنگ بهنگامه، حمله یا عقب نشینی، بسته مکان یا بار کسی فرو افتد، فرد پشت سر او موظف است آن را بردارد و به صاحبش مسترد کند. در غیر این صورت به کیفر اعدام رسد. ۱۰- او (چکنیرخان) تصمیم گرفت که بی بیچ استثنایی، به زادگان علی بک، ابوطالب، فقیران، قاریان قرآن، حقوق دانان، پزشکان، دانشمندان، زاهدان، مودنان، و مرده ثویان بیچ کونه مالیات و عوارض تعلق نگیرد. ۱۱- او قرض داشت، به تمام ادیان باید حرمت نهاده شود و بیچ یک را بر دیگری ترجیح ندهند. او این فرمان را برای رضای خدا صادر کرد. ۱۲- او حکم کرد که افرادش از خوردن خوراکی دیگران که به آنان تعارف می کنند، سرباززنند، حتی اگر یکی شاخزده و دیگری اسیر باشد؛ مگر آن که تعرف کننده خود از آن یخشد. او آنها را از خوردن چیزی در حضور دیگری، بدون دعوت او به شریک شدن در خوراک منع کرد. او هر کسی را از تناول بیش از رفیقش، پانهادن بر آتشی که روی آن خوراک پخته می شود و خرومی که در آن غذا خورده شده است، بازداشت. ۱۳- بهنگامی که رهگذری از کنار افرادی در حال غذا خوردن می گذرد، باید بی کسب اجازه (نشیند) و آسوده شود و در خوردن با آنان شریک شود و آنان نباید او را از انجام این کار باز دارند. ۱۴- او آنها را از دست فرو بردن در آب بازداشت و فرمان داد برای برداشتن آب از وسیله ای استفاده کنند. ۱۵- او آنها را از شستن جامه، تاروخی که کلاژ شده بود بازداشت. ۱۶- او قدغن کرد، کسی نکوید چیزی ناپاک است و بر این نکته پای فشرده که همه چیز پاک است و نباید میان پاک و ناپاک تقاطعی دهند. ۱۷- او آنها را از ترجیح فرقه ای بر فرقه دیگر، بیان سخنان بر طمطراق و موکد، و استفاده از القاب افتخاری بازداشت. چون خواهند با سلطان یا هر کس دیگر سخن گویند، تنها باید نام او را بر زبان راند. ۱۸- او به زادگان خود فرمان داد، پیش از عزیمت به جنگ، شخصا از واحد و قشون و سلاح آنان باز دید کنند و واحد را به تمام نیازمندی های آنان در سربد مجرسانند و حتی از باز دیدن و سوزن مورد نیاز آنان دینغ نورزند و چنانچه سربازی فاقد وسیله ضروری باشد، آنها را مجازات کنند. ۱۹- او فرمان داد زنان کسانی را که همراه واحد نظامی حازم سربدی شوند، در زمان غیبت مردان و جنگ، کار و وظایف مردان را بر عهده گیرند. ۲۰- جنگ جویمان را فرمان داد، به بهنگام بازگشت از جنگ وظایف خاصی را در خدمت سلطان به انجام برسانند.

۲۱- به رعایا فرمان داد و آغاز هر سال دختران خود را در معرض تماشای سلطان قرار دهند تا او تولد برخی را از میان آنان برای خود و پسرانش برگزیند. ۲۲- او در اس هر واحد نظامی، امیری نگاشت و برای هر هزار و صد و ده تن سپاهی امیری تعیین کرد. ۲۳- او فرمان داد اگر کنسالی ترین امیران گناه و خطایی مرتکب شوند باید خود را برای تنبیه به فرستاده شهریار و صاحب اختیار مطلق تسلیم کند. حتی اگر فرستاده از همه ی نوکران او فرو مرتبه تر باشد، پیش پای او به خاک افتد تا فرستاده مجازات تعیین شده از سوی شهریار را حتی اگر فرمان مرگ باشد به اجرا درآورد. ۲۴- او قدغن کرد، امیران جز از اینخانان از کسی دیگر فرمان نبرند. هر کس جز از اینخانان فرمان برد، باید به کیفر مرگ رسد. و هر کسی بی اجازه مقام و مرتبه خود را تغییر دهد نیز حکم اعدام درباره او جاری شود. ۲۵- او به شهریاران فرمان داد، تسهیلات برقراری ارتباط پستی دائمی را فراهم سازند تا بتوانند به وقت از تمامی رویدادهای قلمرو خود مطلع شوند. ۲۶- او به پسرش جغتای خان فرمان داد بر حسن اجرای یا سنا نظارت کند. ۲۷- او فرمان داد سربازان به واسطه بی دقتی و غفلت مجازات شوند. حکم کرد، شکارچانی را که اجازه می دادند در خلال شکار جمعی، بگریزد، چوب زنند و در مواردی به قتل برسانند. ۲۸- در موارد قتل، شخص می توانست خون به سپردا که این خون به عبارت بود از چهل بالش طلا برای یک مسلمان و یک الاغ برای یک چینی. ۲۹- اگر مردی را می یافتند که اسبی را ربوده بود، باید آن را همراه ۱۹ سب از همان نوع به صاحبش بازگرداند. اگر توان پرداخت این جریمه را نداشت ناگزیر بوده جای اسب فرزندان خود را تاوان دهد و اگر فرزندی نداشت او را به سان کوفتندی می کشند. ۳۰- چکنیرخان دروغ زنی، دزدی و زنا را قدغن می کند و به دوست داشتن خود و همسایه فرمان می دهد. حکم شده است که مردان به یکدیگر آسیب نرسانند و از خطاهای خود به کلی چشم پوشند. از سر تقصیر مردمان کشور با و شهرهایی که داوطلبانه تسلیم شده اند گذرند. معایبی را که وقف تقدیس خداوند شده اند، از پرداخت. ۳۳- اگر کسی نتواند از شاد خواری خودداری کند، می تواند بهی سبب بار به حدیستی بنوشد. اگر از این میزان دگرزد، مجرم سزاوار مجازات است. اگر مایه دو مرتبه به حدیستی بنوشد بهتر است و اگر این میزان به یک بار رسد قابل تحسین است. و اگر کسی به بیچ روی می گساری نکند چه بهتر از آن؟ اما چنین فردی را کجای می توان یافت؟ اگر چنین فردی پیدا شود شایان بیش از حد احترام و بزرگداشت است. ۳۴- فرزندان متولد شده از یک هم خواجه را باید قانونی شمرد و سهم ارث آنان برابر هانی است که پدر از ماترک تعیین می کند. توزیع دارایی باید بر این اساس باشد که پسر بزرگتر بیش از پسر کوچکتر سهم برد و پسر کوچک تر وارث خانه و وسایل اهل بیت پدری شود. بزرگی و ارج فرزندان به مراتب مادر آنان وابسته است. همواره یکی از زنان باید از زنان دیگر بزرگتر و مهم تر باشد. این مسئله عداوت بهنگام زناشویی آن زن معین و مشخص می شود. ۳۵- پس از مرگ پدر، پسر می تواند بر همه همسران پدر، جز مادر خویش، دست یابد. می تواند با آنان زناشویی کند یا آنان را به زنی به دیگری دهد. ۳۶- بیچ کس جز وارثان قانونی به بیچ